



فصلنامه تخصصی اخلاق پژوهی

سال اول • شماره اول • بهار ۱۳۹۶

Quarterly Journal of Moral Studies

Vol.1, N. 1, Spring 2017

بررسی تاریخی نظریه امر الهی و نقش‌های خدا در فلسفه اخلاق غرب

هادی صادقی* | محمدربیع میرزایی**

چکیده

بر اساس نظریه امر الهی، خوبی و بدی اعمال وابسته به اوامر و نواهی الهی‌اند و از همین رو، امر/ اراده الهی نقش و نمودی پررنگ در حوزه اخلاق دارد. شواهد اولیه بر این نظریه همراه با اشاره‌هایی به نقش خدا در اخلاق را می‌توان در محاورات سقراط و به‌ویژه رساله اوثیفرن سراغ گرفت، اما این نظریه، تقریرهای گونه‌گون و تکامل‌یافته‌تری نیز دارد و افزون بر آباء کلیسا و اندیشه‌ورزانی چون آگوستین، گریگوری کبیر و اکامی، فیلسوفان دوره رنسانس و عصر روشنگری (همچون لوتر، بیکن و سوارز) نیز تقریرهایی از این نظریه ارائه داده‌اند. دکارت، لاک، پالی و کِرکگور را می‌توان از هواداران این نظریه در دوره مدرن به‌شمار آورد. به اذعان و اعتقاد بسیاری، ارائه تقریری نو و تعدیل شده از این نظریه به دست مری آدامز، به احیای این نظریه در دهه‌های اخیر انجامیده و اقبال برخی فیلسوفان به آن را در پی داشته است. در این مقاله، ضمن گذری تاریخی و با نیم‌نگاهی تحلیلی، به طرح اجمالی رویکردها به این نظریه با توجه به نقش‌های خدا در اخلاق و تقریرهای سنتی و نوپدید آن در فلسفه اخلاق غرب پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها

اخلاق هنجاری، نظریه امر الهی، اراده الهی، نقش خدا در اخلاق، تاریخ فلسفه اخلاق غرب.

* دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث و مدیر گروه اخلاق نظری پژوهشگاه قرآن و حدیث | sadeqi.hadi@gmail.com

** پژوهشگر گروه اخلاق نظری پژوهشگاه قرآن و حدیث | mirzae352@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۰ ♦ تاریخ تألیف: ۱۳۹۵/۰۵/۲۰ | (این پژوهش با حمایت پژوهشگاه قرآن و حدیث انجام شده است.)